

خواهد رسید رفع نگرانی وراث مفروقین را بنمایند.
حاج عز الممالک - این سئوال است که میشود گویا اغلبش جدید باشد و اینجا در ماده چهل و چهار نظامنامه داخلی می نویسد استیضاحات که در باب امور سیاسی داخلی مملکت است نباید بیش از یک ماه بماند تعویق بمماند بنده يك استیضاحی در خصوص اوضاع عربستان و ترتیب امنیه و سایر چیزهای آنجا دو ماه هست کردم و هنوز معتقد نیستم که در آنجا اقدامی شده باشد و گویا اهمیت آن بیشتر از این سئوال است باشد و استدعا دارم که اطلاع بدهید آقای وزیر داخله تا روز پنجشنبه تشریف آورده جواب استیضاح بنده را بدهند.
رئیس - آقای حاج آقا سئوالی داشتید از وزارت امور خارجه بفرمائید.

حاج آقا - حاج محمد اسمعیل مغازه عمل ضرابخانه را با دولت جدید بیک ترتیبی ختم کرده بود و هزار و بیست و هفت تنگ موزر با دو میلیون فتنک از بابت سهمی خودش واگذار بدولت کرده بود و قریب شصت هزار تومان بیشتر باقی نبود و این فتنک ها در آلمان بوده و تا چندی قبل همچو شنیدیم که بواسطه اینکه حمل بایران نشده بود صاحب کارخانه میخواسته است آنها را حراج بکند بنده اولاً آقای وزیر امور خارجه سئوال میکنم که حساب حاج محمد اسمعیل که تقریباً ختم شد و قریب ۳۰ هزار تومان بدولت جدید بدهکار بود تا آنروز تمام شده است یا خیر و ثانیاً باینکه امروز ما اینقدر احتیاج داریم بحمل اسلحه چطور شده است که تا بحال در حمل این اسلحه مسامحه شده است که صاحب کارخانه خواسته است بکلی آنها را حراج بکند.

معاون وزارت امور خارجه - جواب سئوال این نماینده محترم را در جلسه آتی عرض میکنم.
رئیس - آقای ادیب التجار سئوالی داشتید بفرمائید.

ادیب التجار - سئوال بنده از آقای رئیس - الوزراء است در خصوص پرو گرامی که در ماه رجب از طرف هیئت وزراء تقدیم کردند بمجلس - البته معلومت وزرائی که تعیین و معرفی می شوند بمجلس شورای ملی باید پرو گرام داشته باشند دلیلش همین است که هیئت وزراء را که معرفی کردند پرو گرام آنها را هم تقدیم مجلس نمودند در اینجا هم اغلب مذاکراتی که میشود مخصوصاً امروز در مسئله مسبو مولتر که به محض اینکه يك نماینده اظهار می کند فوراً میگوبند حرف می زنند و عقاید تان را هم تقریباً بطوریکه اطلاع دارید بیاید بیان بکنید برای اینکه وزیر مسئول است و حالا این هفت ماده ایست که آقای رئیس الوزراء پیشنهاد مجلس کردند چون از خودشان هم پرسیدیم که در این چند دفعه که تغییری در هیئت وزراء پیدا شده است آیا پرو گرام آنها هم تغییر کرده است یا خیر (فرمودند خیر پرو گرام همان پرو گرامی است که در ۱۶ رجب تقدیم شد) در اینجا می نویسند - اول اقدام فوری در جلب مستخدمین خارجه - در صورتی که این اقدام

فوری نشد و تا بحال آنطوری که باید نتیجه آنرا بفهمیم نفهمیده ایم.
ارباب کیخسرو - این سئوال است یا استیضاح؟
ادیب التجار - استیضاح نیست سئوال است اگر چون و چرا کردم استیضاح است. دویم اصلاحات لازمه در دوایر نظمی و امنیه و حسن مراقبت جدی در دفع مواد فساد اینها را خود حضرت رئیس الوزراء بهتر می دانند که صلح و آرامی در مملکت مقررند مینمایند سوم تهیه قوای نظامی را که عبارت باشد از يك اردوی جدید منظم از اسلحه ثلاثه مر کب از ۶ هزار نفر در مر کز وارد و ساخموهای لازمه و غیره که خودشان باز بهتر می دانند - چهارم اصلاحات امور مالیه و تعدیل در عمل مالیات و اقدام فوری در تاسیس دیوان محاسبات مطابق قوانینی که از مجلس خواهد گذشت و تدارک وجهی برای مخارج ضروری و کسر بودجه و اجراء و اصلاحاتی که در تکثیر عایدات و تقویت مخارج ضرورت قطعی دارد.

پنجم - اصلاحات لازمه در امور عدلیه و تنقیح و تنظیم قوانین و فوائد لازمه در ضمن جریان امور در محاکم که می خواستم از حضرت وزیر عدلیه در باب امورات وزارت عدلیه سئوال کنم این بود امروز معرفی شدند بوزارت امور خارجه - اصلاحات لازمه در امور مدارس اینهم ماده ششم است الی آخر که نمی دانم چه چیز است گویا مجلس شورای ملی که اول مقام رسمی مملکت است شده است و البته وظیفه اولیه هیئت وزراء بوده است که یکی یکی این مواد را بموقع اجراء بیاورند حالا از حضرت رئیس الوزراء استدعا می کنم که اجرائیات این هفت ماده را برای اطلاعات ما بفرمائید.

رئیس الوزراء - اولاً گویا درست توجه نفرمودید که اکثر مواد این پرو گرام بموقع اجراء گذاشته شده است آیا اطلاع ندارند که این فرمایشی را میفرمایند یا اینکه فراموش فرموده اند از همان روزی که این پرو گرام تقدیم شد اقدامات در این باب شده است حالا اگر مواعی تولید شده باشد و محظوراتی دچار شده باشیم که نتوانسته ایم بانجام برسانیم شاید بحمل بر قصور نشود کرد و دیگر میفرمایند امنیت ولایات این پرو گرامی که تقدیم شده است پرو گرامی است که اگر تمام آن اجراء بشود هیچ نواقعی بر آن امورات این مملکت باقی نخواهد ماند و اگر تمام جزئیات آن بموقع اجراء بیاید آنوقت هیچ نواقص برای کارها نمیشود تصور کرد بنده گمان می کنم که به چوچه از طرف هیئت دولت قصوری در این باب نشده است تصور نمیکنم هیچ هیئت دولتی میتواندست در این مدت قلیل موفق اجرائی تمام جزئیات این پرو گرام بشود باینکه در این مدت خیلی از مواد آن بموقع اجراء گذاشته شده است و باره ای از آنها هم که میفرمایند چرا بموقع اجراء نیامده است چیزهایی هستند که مربوط بیکدیگر هستند یعنی تا یکی اجراء نشود در باره یکی دیگر نمیتوان اقدام کرد مسلم است آنطوریکه جناب عالی انتظار دارید که تمام این پرو گرام بموقع اجراء

بیاید آنوقت میتوانم عرض کنم که کار پنجاه سال آتی امروز شده بود پس نباید ایشرا از ما انتظار داشته باشید که پرو گرام را که عرض کردم در مدت دو ماه و سه ماه تمام آنرا بموقع اجراء گذارده باشیم.
ادیب التجار - بنده آنچه در این صفحه نوشته شده و تقدیم مجلس شده همه آنها را از روی حقیقت می دانم و ام این مواد از روی عقیده صحیحی که میتوانسته اند اجراء بکنند و پیشنهاد کرده اند بنده همچو فهمیده ام و بیشتر از این هم زحمت نمیدهم استدعا میکنم يك قدری بیشتر از این خدمت بفرمایند که مواد این پرو گرام مهمالکنن زودتر اجراء بشود یعنی در خط این باشند که زود تر اجراء نمایند.

رئیس الوزراء - بنده گمان میکنم که منتها آرزوی هیئت دولت موفقیت باجرای این پرو گرام باشد و تا بحال هم به چوچه من الوجوه تصور نمیکنم که قصوری از طرف هیئت دولت شده باشد و هر قدر که ممکن باشد در خیال هستیم که پرو گرام خودمان را بموقع اجراء بگذاریم حالا اگر بعضی موانع جلوگیری نماید و نگذارد بآن سرعتی که اقدام میکنیم بمقصود برسیم آن يك مطلبی است علیحده و نمایندگانی که مطلع هستند از هر حیث ما را مددور خواهند داشت.

رئیس - دستور جلسه آتی روز پنجشنبه راپورت کمیسیون بودجه در باب اعزام چهار نفر محصلین فارغ التحصیل بفرنگستان و شور در بقیه قانون دیوان محاسبات.
 مجلس يك ساعت از شب گذشته ختم شد.

جلسه ۱۹۷

صورت مذاکرات یوم پنجشنبه ششم شهر محرم الحرام ۱۳۲۹
 مجلس دو ساعت قبل از غروب آفتاب بریاست آقای ذکاء الملک منعقد شد.
 آقای معاضد الملک صورت مجلس روز شنبه غره را قرائت نمودند.
 اسامی غائبین جلسه قبل ترتیب ذیل قرائت شد:

دکتر علی خان . وکیل الرعایا . اسدالله خان سپهدار اعظم بدون اجازه غایب بودند .
 حاجی امام جمعه . سلیمان میرزا . داودخان .
 با اجازه غائب بودند .
 دکتر امیر خان - مصدق الممالک - حاج آقا .
 آقا شیخ اسمعیل شیرازی بموقع حاضر نشدند .
رئیس - در باب صورت مجلس ملاحظاتی هست بفرمائید .

ارباب کیخسرو - بنده اینجا در باب کیفیت وکیل الرعایا عرض داشتم ایشان مدتی است این ترتیب راپیش گرفته اند که حاضر نمی شوند و بعد اجازه از رئیس تحصیل میکنند و به اداره می فرستند که فلان مأموریت را داشته و نتوانسته ام حاضر شوم . بنده اینجا تکرار میکنم فرمایشی را که آقای حسنعلی خان در بدو مجلس کردند که وکیل الرعایا اگر می خواهد قانونش در مملکت مجری شود باید اول

خودش را مابونی کند آقای حاج وکیل الرعایا در حسن نمایندگان شکی نبوده حرفی ندارم ولی همان طور که فرمودند ایشان باید وکیل باشند یا وزیر باشند یا واسطه وزارت و سفارت و حرکات ایشان بکلی مخالف با مقام و کالت است و علاوه بر اینکه حرکات ایشان مخالف با وکالت است حرکات ایشان اسباب این میشود که سبکته به قانون وارد می آید بنده عرض می کنم که ایشان باید حاضر شوند و در کار وکالتشان مشغول شوند والا از اینجا استعفا کنند و بروند در کار وزارتخانه ها مشغول بشوند .

حاج آقا - در صورت مجلس شنیدم که خواندند که وزیر مالیه لایحه پنج کرور استقراض را به مجلس آورده اند پنج کرور نبوده و لایحه استقراض دو ملیون و دوست و پنجاه هزار لیره بوده و در باب غیبت دکتر علی خان هم که نوشته شده است غایب بودند خواستم عرض کنم که همیشه رئیس هم متذکر شوند ایشان مریض بودند .

کاتب - بنده محض اینکه مکرر مذاکره نشود استدعا می کنم نتیجه ای در خصوص وکیل الرعایا گرفته شود .

رئیس - اینکه می فرمائید نتیجه گرفته شود نتیجه معین است بنده که نمی توانم مجبور کنم وکیل الرعایا را که استعفا بدهد ایشان خودشان باید ملاحظه بکنند و حاضر شوند .

افتخار الواعظین - بنده عرایض خارج از صورت مجلس دارم اجازه می فرمائید عرض کنم .
رئیس - یکی از چیزهایی که بنده تکلیف خودم را نمی دانم همین مسئله است که آیا بنده می توانم خارج از دستور مجلس اجازه بدهم یا خیر ؟

افتخار الواعظین - نظامنامه می نویسد که در اول و آخر مجلس می توانند اجازه بدهند

رئیس - آقای معاضد السلطنه فرمایشی داشتید .

معاضد السلطنه - بنده در روز اینجاء عرض کردم که خارج از دستور عرضی دارم و قرار شد که در آخر مجلس اجازه بدهند و آخر مجلس هم بواسطه آنکه وقت تنگ بود و وزراء آمدند کار داشتند نشد این است که امروز اجازه خواسته ام که بعضی عرایض خودم را عرض کنم و تکلیف آخری را برای خودم معین - نم زیرا که اوضاع مملکت و ترتیب امور و تقاضای موکلین در هم بر هم شده است که ماها اغلب و بنده شخصاً تکلیف خودم را نمی فهمم برای اینکه از یک طرف اگر بخوام بعضی اظهارات بکنم شاید بعضی تصورات بشود که قصد و غرض در کار است بنده اینجا صرفاً عرض می کنم که هیچ قصد و غرضی ندارم فقط مقصودم اوضاع مملکت و ترتیب امور است بنده امتحاناتی که می بایست داده باشم تا حالا داده ام و شاید حالا محتاج به معرفی کردن از خودم و معرفی شدن نباشم و در این مدت هم هیچ وقت نخواسته ام داخل در کار های دولتی بشوم و در اینجا که مجلس رسمی است عرض می کنم

که بهیچوقت نمی خواهم داخل در امورات دولتی شوم و نخواهم شد ولی برای موکلین خودمان باید یک فکری بکنیم مدتی است که بعضی چیزهایی شنویم و همه مثل این که کر هستیم و هیچ بگوشمان فرو نمی رود از یک طرف می بینیم که هیچ دقتی در امور نمی شود و کارها همین طور مظل می ماند و به ملاحظه می گذرد تقریباً شش ماه بود که استرآباد حاکم نداشت و اولیای امور ابداً در صدد نبودند و در صدد نیستند که یک حاکمی را که از یک جایی بر میدارند فوراً عوض او را معین کنند و بفرستند آنجا که نظم آنجا را عهده بگیرد و نگذارند بعضی ترتیبات پیش بیاید هی امروز و فردا کردند تا این که در چند روز قبل چند نفر ترکمان که در جنگل مشغول هیزم شکنی بودند بواسطه بعضی تعریکات یا داخلی یا خارجی آمدند و رفتند سه نفر آنها را کشتند و پنج نفر آنها رزخمی کردند و از طرف دولت در این مدت هیچ اقدامی نشده و از برای قاتلین چه در اینجا چه در غیر اینجا اقدامی نکرده اند اگر قتل واقع شود اگر به دلیل رجوع بشود مستغصم میشود و می رود اگر بجای دیگری رجوع شود که هیچ اهمیتی بان نمی دهند و همین طور آن را به سامعه و ملاحظه می گذرانند و در حقیقت می توان گفت که ما اجازه میدهیم بقاتلین که هر که را می خواهند بکشند و الا اگر ما این اجازه را نمی خواستیم بدهیم افلاک قاتل را مجازات میدادیم در استرآباد در این مدت از پنجاه سال به این طرف گویند هیچ عهدی مثل این دوره مشروطیت نبود که ترکمان اینطور مطیع باشد که هر اتفاقی که می افتاد بحکومت و دولت اظهار کند و متظلم شوند و چاره درد خودشان را از دولت بخواهند در دوره ناصرالدین شاه نظر دارم ده هزار یا نوزده هزار بیست هزار قشون برای امنیت استرآباد و ترکمان می فرستادند حالا ترکمانها خودشان همیشه اظهاراتشان را بدولت می کنند و علاج کارشان را اردولت می خواهند ولی متأسفانه برعکس دولت هیچ نظردقت به آنجا نمی اندازد و هیچ توجهی به آنجا نمی کند چنانچه عرض کردم شش ماه است آنجا حاکم ندارد و حکومت می خواهند و بازمروزر تلگراف دیگری رسیده است که چند نفر ترکمان را که رفته بودند برای هیزم کشی چند نفر آنها را کشتند و مقصود این است که چون استرآباد تا حالا امن بوده است آنجا را بهم و آشوب بکنند تا اینکه ببینند چه نتیجه حاصل می شود و آنها که می دانند که مرتکب این کارها کیستند و مخالفت و جلرگیری نمی کنند در واقع دائره و نقشه آنها را وسعت می دهند که این کارها را بکنند شاید آنجا را هم بهم بزنند والا می بایست نایک حاکم دیگری بفرستند با آن حاکم نرسد با آنجا حاکم اول نباید حرکت کند هفت هشت ماه بود که خراسان حاکم نداشت بیشتر در زمان استبداد اگر یک حاکمی را موزول می کردند حاکم دیگر که میرسد آنجا آنوقت آن حاکم حرکت می کرد هفت هشت ماه بود که خراسان حاکم نداشت ما می دیدیم که دسته های قشونی وارد آن خاک می شود و هیچ معلوم نیست که

ما اینجا خواب هستیم یا بیدار هستیم در صورتی که اغلب خاک خراسان منظم است و اغتشاش نیست و این غفلت نمیدانم معنی بر چه ترتیبی است از طرف دیگر راجع به برستان که وکلای عربستان آن اظهارات را کردند و لازم نیست که من اظهار کنم و راجع به برستان و برورد که چند ماه است حکومت ندارد و هرروزه اتفاقاتی آنجا روی میدهد و رعایای بیچاره آنجا و زارعین آنجا در نهایت عسرت و پریشانی هستند و شکایاتی میکنند و در این اواخر اتفاقاتی که افتاده است شاید بواسطه آن اتفاقات نتوانند بذر کنند از برای سال آتی و نمی دانیم از برای سال آتی آنها چه پیش می آید و همینطور سایر نقاط ایران مثل آذربایجان که یکمرتبه می بینیم رحیم خان طلوع میکنند و بعضی اشخاص دیگر طلوع میکنند و هیچ اقدامی نمی شود از طرف دیگر این واقعه مازندران که پیش آمد و شروع شد و یک مرتبه خوابید مثل اینکه هیچ چیزی نبوده است در صورتیکه ماها الان نمیدانیم در مازندران چه خبر است و چه خیالات دارند و کی کار می کنند و برای کی کار میکنند و با استرآباد چه رابطه هایی دارند و اولیای امور بکلی غفلت دارند و در خود طهران ترتیباتی که مشغولند و دارند کار می کنند یک عده ارتجاهی و هر وقت هم بوزراء می گویند جواب می گویند بلی ما هم اطلاع داریم در این مدت مدید آنچه بوزراء گفته می شود ابداً اعتنائی نمی کنند و هیچ گوش نمی دهند و همان که عرض کردم می گویند ما اطلاع داریم مثلاً رفته مسجد جامع که پیش آمد و رهائی که آنجا خرج کردند و بعد از آن که متفرق شدند عوض آن که تحقیقات بکنند که این پولها از کجا بوده از کدام منشاء بود از کجا بود از کجا آمد دست کسی مصرف شد در هیچ موقع این تحقیقات را نکردند در صورتی که اگر تحقیق می کردند بنده یقین دارم که بعضی مطالبی عمده بدست می آمد و تکلیف دولت و ماها معلوم می شد آنها را بفیلت گذرانند و معلوم نشد دست کی در کار است و چه خیال دارند آیا دست داخلی است یا دست خارجی آیا دست خود اینها در کار است یا دست دیگری است که بچشم ما پوشیده است بعد از آن که آنها گذشت و هیچ اقدامی نکردند می بینیم بعضی مذاکرات و بعضی نشریات داده می شود و بعضی مجامع کوچک در داخله مشغول کارند و اقدامات می نمایند و وقتی که راپورت می دهیم می گویند بله اینها هست ما مطلع هستیم لکن می خواهیم منشاء و اساس را پیدا کنیم و ماها هم همین طور این جا نشسته ایم مثل این که خواب باشیم آنها هم هرچه خودشان می خواهند می کنند و هر چه بنظرشان میرسد اقدام می کنند و یک روز این جا نشسته ایم می بینیم کار بجائی رسیده است که چاره از دست شما بکلی خارج شده است و نمی توانید کاری بکنید بنده که کار را بجای خیلی بد می بینم کشیده است و می کشد باید ببینیم اینطور بنظر می آید این است که امروز آخرین تکلیف خودم را می خواهم ادا بکنم و وکلا را مسبوق بکنم که اگر واقعا می توانند جلو گیری کنند از بعضی ترتیباتی

فیه موضوع اینکه آیا داخل قوه مجریه بشود و بابت تملکات آبا می توانم وظایف قوه مجریه را انجام بدهیم نشوند کمیسیون بودجه از برای این چهار نفر ششصد تومان تصویب کرده است و خیلی لازم دانسته و چنان هم که خودشان میدانند دیر شده است این کار حالا که از خارج مددی خواسته اند بمبارف ما بکنند ما چرا استفاده از این مساعدت نکنیم اگر يك سال بیشتر این کار را کرده بودند حالا در حقیقت يك سال ماها جلو بودیم استدعا میکنم كه این اندازه زیاده تر در این خصوص مذاکره نکنید و این ششصد تومان را که بهترین پولی است که برای بهترین محلها صرف میشود خرج حقیقی هم همین است اگر امید نجانى باشد برای مملکت همین است و اگر میخواهند خدمتی وطن کرده باشند همان طوره که آقای مشیر حضور تقاضا کرده اند لاجبای پیشنهاد کنند که چهارصد نفر فرستاده شود و زودتر بفرستیم اینها را که ما باید بواسطه معارف کارمان بيك جا نبی برسد که تا کار معارف بيك جا نبی نرسد کار این مملکت بجائی نرسد (در این موقع پیشنهادی قرائت شد باسم آقای مؤتمن الملک).

رئیس — پیشنهاد از آقای خیابانی بود نه از مؤتمن الملک - حالا رای میگیریم برای ورت کمیسیون بودجه که این ششصد تومان را تصویب کرده است.

کاشف — این اظهاری که آقای مشیر مکرر در اظهاراتشان وظیفه آقای رئیس را هم در عهد گرفته اند که نباید از موضوع خارج شده اند عرض می کنم که این خارج از موضوع نیست قید دارند در اینکه اطلاع نمایندگان در اسامی اشخاص از وظیفه مجلس نیست دخالت در قوه اجرائیه است ؟

رئیس — آقا شاد در رای اجازه خواستید نه برای مذاکره .

کاشف — بنده هم در رای عرض می کنم و از این جهت اسامی آنها را منافی نمیدانم تقاضا می کنم اى آنها را اظهار کنند چون اشرف و متوالین مملکت همیشه می توانند که اطفال خودشان را بفرستند از برای تحصیل اگر چنانچه بنده اطلاع داشته باشم از فقرای مملکت است با کمال شفقت و خورندگی رای می دم از این جهت اسامی آنها ذکر شود خیلی خوب است .

سليمان ميرزا — اولاً آقایان باید بدانند که مشیر محترم اسامی این چهار را نمی داند کمیسیون بودجه هم نمی داند معاون وزارت علوم گویا هم حاضر نداشته باشد و نداند و بنده عقیده ام اینست که باید قرا را مراعات کرد و داخل در تحصیل کرد و عقیده ام اینست که يك شخص سرمایه داری که تحصیل کرده باشد و يك فقیری كه هیچ تحصیل نکرده اشد و آن فقیری که هیچ تحصیل نکرده است او را بفرستیم بآنجا که ده سال مشغول بشود بیايد اینجا و هیچ نداند این عرض را هم کرده ام که حتی الامکان با تساوی شروط فقیر مقدم است برای اینکه اولیای آن غنی می توانند برای او

وسائل تحصیل را فراهم نمایند و آن فقیر نمی تواند خوب است رای بگیریم و اجازه در این رای هم به بیش از يك نفر نباید داده شود .

رئیس — رای میگیریم کسانی که تصویب می کنند رای ورت کمیسیون بودجه را که ششصد تومان برای مخارج مسافرت چهار نفر که با روپا می روند داده شود وره سفید بپردازند . شروع باخذ رای گردید .

معاضد الملک — عده حاضر ۷۶ وره سفید علامت قبول ۵۸ امتناع ۱۸

اسامی اشخاصی که تصویب کرده اند ذكالمملک متین السلطنه . دكتر اسماعيل خان . كاشف . آقا شيخ على شيرازى . شيبانى . انتظام الحكماء معاضد السلطنه . مؤتمن الملک . دكتر امير خان معزز الملک . طباطبايى . سردار اسعد . ارباب كميخسرو . افتخار الواعظين . ميرزا داود خان . سيد حسين كرازى . لسان الحكماء . حاج عز الممالك دكتر حيدر ميرزا . معتمد التجار . شفاء الممالك نير السلطان . آقا سيد محمد باقر اديب . آقا سيد جليل . نجات . مشير حضور . معين الرحمايا . حاج آقا . بهجت . آقا شيخ اسد الله . فهيم الملک مناصر السلطان . ابوالقاسم ميرزا . حاج شيخ الرئيس آقا سيد حسين اردبيلى . آقا شيخ ابراهيم . ابراهيم زنجانى . آقا شيخ فلامحسين . آقا ميرزا مرضى قايخان — حاج سيد نصر الله - سليمان ميرزا تربيت — ركن الممالك — ميرزا ابراهيم قمى ميرزا رضا خان نائينى - ميرزا ابراهيم خان - معاضد الملک على راده - مشير الدوله - حاج محمد كريم خان - محمد هاشم ميرزا - دهخدا - حسن على خان - وحيد الملک — حاج سيد ابراهيم — صدر العلماء — ميرزا يانس دهخوارقانى .

قانون عقیقات
ماده اول - حفر اراضی مملکت ایران در طلب اشیاء عتیقه جداً ممنوع است مگر بعد از تحصیل اجازه رسمی از اداره عتیقات .
ماده دوم - مخارج حفر همه جا بعهده اجازه گیرنده است و جز مالیات دیوانی محسوب نمی شوند
ماده سوم - از سنک و سفال و شیشه و کاشی هر چه استخراج شود ده دو آن بعنوان مالیات بدولت خواهد رسید و مابقی بصاحب ملک و صاحب اجازه موافق قراردادى که با هم داشته باشند .
ماده پنجم - آنچه اثابیه سلطنتی از قبیل تاج و سائر آلات حربیه مرصع بجواهر و همچنین ظروف و سائر آلات و فلزات مستخرج از زر و سیم و مسکوک و جواهرات که در ظرف با محلی جمعاً پیدا شود .
ماده ۶ - آنچه اثابیه سلطنتی از قبیل تاج و تخت و شمشیر و خود ورزه و سیر و سایر آلات حربیه مرصع بجواهر و همچنین ظروف و آثار دیگر که در آن اسم سلطانی منقور و بلامم دیگر معلوم باشد که متعلق بسلطانی بوده متعلق بدولت خواهد بود و دولت در ازای حق الزحمه ده يك از قیمت آن جنس را مستخرج می دهد .
ماده ۷ - مجسمه و ستون و کتیبه هاى کاهنیه تاریخی داشته باشد و آنچه راجع بسلاطین قدیم باشد متعلق بدولت خواهد بود و جزء مالیاتهای مذکور در ماده ۳ و چهارم محسوب نخواهد شد فقط دولت صدی ده از قیمت به صاحب اجازه حق الزحمه خواهد داد .
ماده ۸ - هر گاه کسی بوجوه اداره عتیقات حفر اراضی نماید یا چیزی از عتیقات و مستخرجات را پنهان نمود و حقوق دولت را نبرداخته باشد پس از کشف عیناً ضبط دولت شده مرتکب مجازات قانونی مخصوص باشند تعلق بدولت دارد چنانکه جر و مالیات خواهد شد .

ماده ۹ — در اشیاء مستخرجه دولت همیشه از روی قیمت اضافی محلی بصاحب اجازه طرف خواهد بود که يك نفر از طرف صاحب امتیاز و يك نفر از طرف دولت از اهل خبره محلی در تحت نظارت مفتشین تعیین قیمت خواهند نمود .

رئیس - داخل می شویم در شور کلی این قانون .

حاج سيد ابراهيم - غرض بنده این است که چون مدتی است که این اداره عتیقات عنواناً تاسیس شده است و لیکن هیچ ترتیب منظمی ندارد و بودجه این هم که در کمیسیون بودجه آمده بود تکلیفی ندارد و خود معاون وزارت فواید عامه هم که آمده بود اظهار می کرد که کمیسیون که چون اداره ترتیب درستی ندارد و به ملاحظه اینکه مجلس هم واقعا کارش زیاد است و این هم اهمیت دارد بنده تقاضای فوریت آنرا می کنم که يك شور در آن بشود .

مغرز الملک - عقیده بنده يك قدری مخالفت دارد با عقیده آقای حاج سيد ابراهيم و آن اینست که فرق کسانی که همیشه در کار بوده اند و برای کار بخته شده اند و آن کسانی که خامند نیستند که کسانی که بخته شده اند همیشه وقت خود را صرف آنکاری میکنند که احتیاج آنرا حس می کنند و بیشتر در کارهای خودشان خارج از يك ترتیب و نظم معینی نمی شوند و همیشه مشغول آن کارهایی می شوند که مملکت زیاده تر محتاج به آن است و ملاحظه الا هم فالاهم رامی کنند بدبختانه ما این ترتیب را کمتر رعایت کرده ایم و هر چه بما داده اند بهمان مشغول خواهیم شد بدبختانه درست ملتفت این نکته نشده ایم اگر نقشه و پروژه ای راجع بقانون راه آهن هاى که معلوم نیست در چند وقت دیگر خواهند کشید بیاورند اینجا فوری مشغول آن خواهیم شد در قانون نویسی این نکته را باید همیشه ملاحظه کرد که آن چیزی را که مملکت به او محتاج است آن قانون را وضع کنند و الا من تصور می کنم که مملکت ما هنوز محتاج بقانون عتیقات نشده باشد يك قانونی برای عتیقات بگذارند و آن وقت نتیجه این خواهد بود که فقط يك اداره عتیقات مفصلی نظر بيك ناخوشی که ما را گرفته است و چون همیشه در هر کاری ناخوشی داریم که يك اداره فوق العاده ترتیب می دهیم ، بواسطه گذشتن این قانون ما يك اداره مفصلی به اسم اداره عتیقات تشکیل خواهیم داد و يك بودجه برای آن منظور خواهیم کرد در صورتی که اگر این قانون نباشد و آن اداره نباشد هیچ سگته و تنزلی یعنی در بودن و نبودن این اداره عتیقات هیچ صدمه در این مملکت وارد نخواهد آمد چه اینکه در مقام قانون گذاری باید ملاحظه آن چیزی را کرد که محل احتیاج ما و محل احتیاج سایر مردم است بعضی مطالب است که تحمل است و ناوقتى که انسان احتیاجات خودش را بکل رفع نکرده باشد نمی تواند به تحمل بپردازد و همچنین تا وقتی که بعضی قوانین که خیلی خیلی محل احتیاج است تدوین نشده است برداختن به عتیقات و قانون عتیقات و قانون عتیقات نوشتن بهیچوجه بعقیده بنده صحیح نیست و چنانچه عرض کردم گذشتن این قانون از مجلس جهة

تاسیس يك اداره مفصل و گذاردن يك بودجه مفصلی خواهد بود و با وجود ضیق ماليه مملکت این طور تجملات را نمی توانیم قرار بدهیم و بنده فوری تر را که تقاضا نمی کنم علاوه بر صد آن هستم که این قانون از مجلس بگذرد .

منتصر السلطان — چون اینجا مذاکره فرمودند که الا هم فالاهم را باید منظور داشت يك نظر ثروتی و يك نظر بودجه ای باید داشته باشیم و احتیاجات وقت و موقع را هم در نظر داشته باشیم و يك نظر دیگر هم به اداره ای که می خواهیم تاسیس بکنیم داشته باشیم بنده چند کلمه خواستم عرض کنم که کویا در این مسئله اشتباه فرمودند امروز خیلی احتیاج داریم به این قانون و در محتاج فوری نمی بودیم این به مجلس نمی آمد و رجوع به کمیسیون نمی شد چه دلیل بدلیل اینکه آن اداره بزرگی (فرمودند) تاسیس خواهد شد و يك خرج كزافى برای دولت حاصل می کند بظهور نیست این اداره را که وزراء تاسیس و دائر کرده اند در ماه بودجه آن صد تومان بیشتر نمی شود این ارجحیت بودجه ای ما دخل آن نه فرمودند ممکن نیست در این مملکت اجرا شود اجرا شده است و بیا يك ترتیبی له بطور موقت فرار داده اند عمل می شود و در بودجه ای که تعیین مجلس شده است و الا در مجلس است دخل این اداره را باسم اداره عتیقات ذکر کرده اند فقط شعبه طهرانی که تازه تاسیس شده چندین هزار تومان دخل دارد دخل او را نوشته اند که ضبط دولت شده است و و الا دار بوزارت مایه شده است پس بهتر این است که نمایندگان محترم اطراف کار را بکام نگاه دارند و بودجه مملکتی را که فرستاده اند ملاحظه کنند ببینند این اداره جزیی که در طهران دایر شده است چقدر عایدی بدولت دارد و بعد شعبات دیگرش چمی شود يك نظر دیگری هم باید بکنند در این کار که اگر چه راه می گرفته اند این حق را در دست فقیه دارد شارع مقدس قرار داده اند که يك چیزی از دفاين بگیرند و در کمیسیون در این باب مذاکرات مفصل شد که این حق حق شرعی است و هیچ فردی از افراد ملت ایران هیچوقت نمیتواند بگویند این حق را نمی دهیم چرا که مسلمان هستند نمیتوانند مخالف شرع خودشان رفتار کنند یا بگویند ما بلوا می کنیم که مخالف شرع نبوی رفتار بکنیم پس باید حقوق اینکار را بدهند اما از این حیث که میفرمایند بواقع باید بکارها بپردازیم ما امروز می بینیم که اراضی طرف عربستان که الا ن مشغولند و بعضی چیزهایی را می برند که با آنها تعلق دارد چون بعضی اراضی است که مجزی است و جزء امتیاز نیست و سایرین الا ن مشغولند بعفر آن و خیلی چیزهای عتیقه که قیمت های گزاف دارد بیرون می آورند و برای مملکت و دولت اول ثروت است باید ما ملاحظه بکنیم که يك مرتبه متذکر می شویم می بینیم تمام ثروت مملکت ما را برده اند و ما وقتی بیدار می شویم که دیگر هیچ نداریم و قانونی برای آن وضع نکرده ایم قواى مقننه هیچ فکری برای آن نکرده اند و فکر يك دخل آنی

کرده اند و حال آنکه دخل آنی این است که بما يول می دهد و منافعی این کار این است که امروز فلان کاشی یا فلان کتیبه یا فلان ظرف بیرون می آید که قیمت های زیاد دارد و بنده رد می کنم این فرمایشات ایشان را و میگویم امروز خیلی محتاجم باين قانون و اداره و دخل آن امروز در شعبه طهران بمجلس تقديم شده است و خرج آن سالی هزار و دريست تومان بیشتر نمی شود .

حاج آقا - گمانم این است که فرمایشات آقای مشیر با آن ترتیبیاتی که فرمودند يك مقدارى خارج از موضوع بوده اول يك شرح مفصلی بیان کردند که عتیقات بموجب قانون اسلام يك چیزی باید بدهد من این را نفهمیدم این چه ربطی بمذاکرات دارد ما امروز يك نظر ثروتی داریم و قانونی که می خواهیم بنویسیم که می گوئیم يك چیزی باید دولت بشود از این عتیقاتی که استخراج میشوندولى ملتفت نیستیم که ما هر وقت يك چیزی از چیز بیات را در خارج دیدیم میانیم و می نشینیم و می گوئیم باید يك قانونی برای آن بنویسیم و ملتفت نمیشود این را که چه قسم باید داد يك اراضی حرابه ری يك مقدارى عتیقات دارد بعضی مشغول شدند در آوردن و يك مقدارى هم عاید اداره مرسوزی عتیقات شد از این جهت خواستند يك قانونى بنویسند بری عتیقات و بمجرد گذشتن فوراً میزها و صندلی ها در طهران و يك شعبی در سایر ولایات معین می شود و يك اداره دائمی می شود در این مملکت انوقت خواهند گفت بفرستید ایم به این عتیقاتی که داشته ایم و مثل امروز نخواهد گذشت که چندین هزار تومان عایدات و واردات ما است و عوض صد تومان مخارج این اداره است و دیگر نمی دانستند که بعضی گذشتن آن قانون چون مرض شعبه ساری شیوع پیدا کرده است شعب آن در ولایات شروع می شود من شعبه تجدید تربیت آن وقت می بینید که نوشته است پنج تومان و سه هزار و سه عباسی دخل ششماه او است و نمی دانیم که هزار تومان خرجش شده بنده عرض می کنم در این موارد انسان نباید در يك چیزی از چیز بیات و يك نقطه معینی از مملکت که يك عایدات معینی دارد نظر بیندازد و يك قانونی بنویسند و انوقت بگویند ما عایدات داریم و درین چند ماهه چند هزار تومان عاید دولت شده ما اگر بخواهیم این عتیقات که در این مملکت خارج می شود فایده برای دولت منظور کنیم يك اداره مستقلى لازم ندارد نباید اداره عتیقات درست کنیم يك ماده بر مواد تفرقه گیر می افزائیم و آن غرضی را که داریم حاصل خواهد شد و آن فایده هم عاید دولت می شود يك مخارجى هم بر بودجه دولت نیفزودد ایم من تصور میکنم فرمایشاتی که آقای مشیر فرمودند و منافعی را که بیان کردند ما می توانیم به آنها برسیم در حالتی که این اداره را ساخته ایم و بعد ازین که این اراضی ری قدیم تمام شد و يك مقداری کنند و رفتند دیگر هیچ محتاج و مبتلا نخواهیم شد بيك اداره ای که اسمش را بگذاریم

اداره عتیقات بنده هیچ تصویب نمی جز اینست که در جزو اداره گمرک در همان ماده راجع بترمه گمرکی یک چیزی می نویسیم و یک اداره مخصوصی برای عتیقات درست نمی کنیم این را راجع با اداره گمرک می کنیم .

وزیر پست و تلگراف - بنده تصدیق میکنم همانطوری که آقای مرمزالملک فرمودند که خیلی قوانین داریم که بیشتر از قانون عتیقات است ولی قدری هم در آن طرف مبالغه شد در این مواد بجهت آنکه سه چهارم ماده نوشته شده است راجع به قانون عتیقات که در موقع اینکه مردمی می آیند اجازه بگیری که یک اراضی را حفر کنند بچه ترتیب باید با آنها رفتار شود حالا یک بودجه بیارند اینجا که پنجاه هزار تومان خرج تصویب شده باشد و شب اداره عتیقات در تمام ولایات حکماً باید باشد خیر همچو نظری ابدأ نیست این یک قانونی است که کار برای صرفه جویی وقت است چه نسبت بهمان چه نسبت بوقت چه نسبت بحفریات چه غیره بجهت اینست وقت که افراد مردم بیایند پیش وزرای دولت شما در این قبیل تقاضاهائی که دارند اظهار میکنند وزیر اردوی این قانونی که در دست اوست با آنها ممانعه میکند ولی وقتی که یک قانونی نداشته باشد آنوقت هر تقاضائی را باید فرد مردم بیارند پیش وزیر و وزیر هم پیشنهاد میکند به مجلس شورای ملی و مجلس رجوع میکند بکمیسیون بعد می آید در مجلس سه روز هم در مجلس در آن خصوص مذاکره می شود آنوقت در هر مورد یک رای مخصوصی می دهند که شاید منافی با آن رای سابق است دولت که این مواد را پیشنهاد میکند منظور این است که با ترتیب معینی بدست دولت بدهند که هر وقت راجع بعتیقات استیضای آمدند امتیاری خواستند فوراً رجوع بکنند بآن قانون و بگویند بنابراین قانونی که در آن تاریخ از مجلس مقدس گذشته است من باشم یا فلانطور رفتار کنم این برای خیلی از مقامات فایده دارد و بنده گمان نمیکنم آن قدر اشکال و اعتراض داشته باشد و اگر می رسید که این یک خرجی دیگر پیدا بکند لازم نیست که بنویسد یک اداره عتیقات داشته باشد همین طور که آقای حاج آقا فرمودند چند نفر اعضاء گمرک از اعضاء وزارت فواید عامه در کار باشد .

ملاحظه کرده است که شخصی که آن امتیاز را بگیرد و مشغول می شود بحفر یک زمینی شما لازم نیست که اجازه بدهید به گمرک که او رسیدگی و اخذ مالیات بکند .

محمد هاشم میرزا - گویا این دوسه ماده بآن طوری که اظهار شده است در دوسه روز بگذرد ولی باین ترتیبی که کمیسیون نوشته است و آقای مخبر اصرار دارند که این اعلامواقت باشرع داشته باشد گمان میکنم تمام جزئیاتش کاملاً مطابق با شرع نباشد خوبست در این باب دقتی باحضور آقایان شود که اسباب مطلق نشود و در دو روز بگذرد و این قدرها هم مخارج ندارد و بقدرها هم موافقت صورتی که داده اند که در این مدت چه مبلغی عایدی داشته و وقتی هم که قانون گذشت مردم بیشتر رجوع خواهند کرد و فایده اش زیادتر خواهد شد زیرا که از این قبیل کارها میشود و خیلی اشخاص مالیاتی که تعلق میگردد باین موضوع نمی دهند و بعضی میدهند اگر بنا باشد تمییز شود خوب که این چهار هزار تومان هم نباشد بجهت اینکه تمییز در قانون نباید بشود این قانونی که مذاکره میشود باید اولاً این را معین کنند که این گرفته میشود یا خیر و اگر باید گرفته شود باید قانون گذاشته باشد والا مثل قیام و سایر چیزها که پایک بی ترتیبی گرفته شده است که برخلاف قانون است و ابدأ مجلس شورای ملی همچو تصویبی را نکرده است خوبست شورش کلی در آن بشود و داخل در مواد آن بشوم .

معاون وزارت فواید - آقای مرمزالملک فرمودند که بعضی قوانین را خوبست در موقعی که احتیاج هست مطرح کنند بنده میخواستم عرض کنم که اتفاقاً در موضوع این قانون همین طور شده است بجهت اینست که تصدیق خواهند فرمود که این اشیائی که از زیر زمین خارج می شود هم اهمیت قیمتی دارد و هم اهمیت تاریخی و امروز تمام ایران همه جا باندازه ای ازدحام کرده اند که هر گوشه ای سیصد نفر سرش ریخته اند و با کمال عجله و شتاب سعی می کنند و بهیچوجه هم جلوگیری از ایشان نمی شود و باسم تبهه خارجی یا رعایای فلان و بیا اداره پستخانه و گمرک هم ابدأ جلوگیری از اینکار نمی شود و از هر جا هم دلشان می خواهد می کنند و هیچ ملاحظه نمی شود در چند ماه پیش از این یک اقدامی شد و تا یک اندازه یک موضوع و معمولی داشت و تصور کردیم که بشود از اینکار جلوگیری کرد و نتیجه صحیحی هم پیدا می کند ولی چون قانونی در دست نبود نمیشد که جلوگیری کرد اینستکه این چند ماده را پیشنهاد مجلس کردیم و اگر یک قانون مقتضی که همین قدر یک حدود و ترتیبی برای اینکار معین باشد علی الخصوص پستخانه که حامل این اشیاء است و همروز آنها را فوق الاماده به جا می فرستند و دخل کلی خواهد داشت و یک راه عایدی خیلی سهلی از برای دولت خواهد بود و تا امروز که این مطلب یک راه قانونی نداشته و این کار یک قدری بیرویه وی ترتیب شده است می بینیم که بی نتیجه هم نبوده است و همه آنهائی که داخل این

کار بوده اند بطور رغبت آن چیزی که از آنها میخواهند میدهند بجهت اینستکه فوق الاماده از این راه فایده می برند و چیزی هائی که بنظر ما هیچ امیتی ندارد و شاید هزارها و بیصدها تومان فایده میبرند و بنده تصور می کنم که چندان اشکالی نخواهد داشت بخصوص که این خیلی سهل و مختصر است که چند ماده قانونی وضع بشود و یک قدری ادارات رسمی پست و گمرک کمک بکنند با اینکه پیشرفت کلی خواهد داشت و هیچ ضرری از برای بودجه دولت ندارد زیرا که این اداره از خودش عایدی دارد بلکه نسبت به دیگر است بجهت اینکه امروز تا الساعه آنچه مخارج این کار شده است به همین نسبت بوده است و البته اگر یک روزی در این مملکت عینیات هیچ نباشد مخارج اداری هم نخواهد داشت ولی مادامی که هست مخارج این چند نفری که مأمور این کار باشد ابدأ فوق الاماده از کمیسه دولت بیرون نخواهد رفت و از خود اداره عایدی دارد به اندازه ای که بتواند خودش را راه ببرد و هیچ ضرر ندارد در حال اگر امروز که به این عجله و شتابی که دارند و این طور که میکارند یا چیزی های تاریخی است که اگر چنگ ما بیرون خواهد رفت بهیچوجه و هیچ عنوانی نمی شود مانع شد که اینها را ببردند .

رئیس - شور در کلیات این قانون به اندازه کفایت شد حالا باید برای قسمت در اینستکه داخل در شور مواد بشوم یا بشوم .

ارباب کیخسرو - بنده تصور می کنم اگر چنانچه مخبر کمیسیون تقاضا کرده اند آن اصلاح بشود و آلمان رای بگیرند رای بدهند آنچه که اداره عتیقات نوشته شده بنویسند وزارت فواید عامه ولی شاید به این ترتیب بعضی ها رای ندهند و بهمان ترتیبی که فرمودند هرجائی که اداره عتیقات نوشته شده است بنویسند وزارت فواید عامه .

منتصر السلطان - بنده هم تقاضا می کنم که آنها را وزارت فواید عامه بنویسند .

رئیس - رأی می گیریم در اینکه داخل شویم در شور مواد این قانون با تبدیل اداره عتیقات بوزارت فواید عامه کسانی که موافقت قیام نمایند .

اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد .

رئیس - حالا آقای حاج سید ابراهیم تقاضای فوریت کرده اند اگر بتقاضای خودشان باقی هستند رای بگیریم .

(گفته شد باین زودی که نمی شود بگذرد باید تأمل و ملاحظه کرد)

معاون وزارت فواید عامه - فوریتش را عرض نمی کنم در چند ساعت همین قدر عرض میکنم تا در روز بایک هفته بگذرد که ضرری هم بر دولت وارد نیاید .

رئیس - این فوریت که در اصطلاح پارلمانی ما هست این است که وقتی که رای دادند بفوریت آن که یک شور در آن بشود - - حالا اگر آقای حاج سید ابراهیم در این تقاضای خود باقی هستند رای بگیریم .

معاذ الملک - بموجب نظامنامه داخلی کسی که تقاضای فوریت میکند باید دلیل فوریت را بگوید و بنده برخلاف عقیده ام این است که باید دو شور کامل در این شود که تمام اطرافش ملاحظه شود .

حاج شیخ الرئیس - بنده در اساس لایحه و قانون شاید حرف نداشته باشم ولی چون خیلی می شنوم که تقاضای فوریت میکنند لذا بنده مجبور می شوم که عرض کنم که در بعضی مواد این ملاحظاتی هست که باید اصلاح شود زیرا که با موازین شرعیه درست نیست و من بر حسب تکلیف شرعی خودم عرض کردم .

رئیس - اول بیبینم رأی میدهند بفوریت آن .

حاج سید ابراهیم - بنده اول رد میکردم و هیچ محتاج نبود دیگری بگوید بنده عرض میکنم وقت مجلس شریف است نباید ضایع کرد چهار ماده قانون واجب است که امروز وضع شود بیک شور خوبست بگذرد .

رئیس - ملاحظه بفرمائید آقایانی که تصور میکنند که باید در آن ملاحظه شود و دقت لازم دارد و باید دوشور در آن بشود رأی نمیدهند پس حالا رای می گیریم برفوریت آن چنانچه آقای حاج سید ابراهیم تقاضا کرده اند - کسانی که موافقت که یک شور در آن بشود قیام نمایند . (تصویب نشده)

رئیس - حالا دیگر امروز داخل اینستا کرده بنویسیم چون وقت گذشته است میماند برای جلسه آتی در اینستکه لایحه ای از طرف وزارت پست و تلگراف بعبارت ذیل قرائت شد :

مجلس مقدس شورای ملی - نظر به اینکه در اداره پست و تلگراف محتاج بعضی اصلاحات اساسی است و بنا بر اینکه اداره تلگراف بیشتر محتاج اصلاحات فوری است لذا وزارت پست و تلگراف ابتدا بودجه مرتبی برای آن اداره ترتیب داده و در ضمن تشکیلات و تصدیقات جدید در آن اداره تأسیس نموده پس از آن توجه و دقت خود را معطوف به تنظیم و ترتیب محاسبات آن که عملاً ترتیب صحیحی ندارد و از اهم امور است نمود بعد از تحقیق و تدقیق کامل در امور محاسبات چند فقره اصلاح و تغییر لازم و فوری دید که بدون اینها اطمینان از صحت محاسبات و جمع آوری عایدات دولت نمی توان داشت و چون آن اصلاحات مستلزم بعضی مخارج و تعمیرات اساسی بود و از حوزه اختیارات وزارتی بیرون لهذا پیشنهاد تقدیم مجلس شورای ملی می نماید که رای خود را اظهار داشته و در صورت موافقت عاجلاً اجازه اجرای آنرا بدهند .

اولاً مسئله جواب تلگرافات است چنانچه خاطر آقایان مسوق است تا اکنون معمول اداره تلگراف این است که در مورد تلگرافات فارسی بداخله مملکت قیمت جواب را از فرستنده سؤال مطالبه و مأخوذ می دارند این مسئله اگر چه تاحدی اسباب مزید عایدات است لیکن همیشه اسباب زحمت و اختلال کلی در امر محاسبات اداره می شود و اغلب نسبت ببعضی از اهالی که مجبور بنادیه قیمت جوابند بی اعتدالی می شود نظر به ملاحظاتی فوق عقیده بنده بر این است که بعداً این مسئله منسوخ و قیمت جواب یا سؤال بدهنده آن کسی است که مطلب را

دادار می دهد البته مستثنی خواهند بود تلگرافاتی که قیمت جواب آنها بمده کلمات معین قبل از وقت داده شده زیرا این قاعده ای است در تمام عالم برای مخابرات داخله و خارجه جاری و هر کس که بخواهد اطمینان از رسیدن جواب تلگراف خود داشته باشد باید قبل از وقت قیمت مخابرات هر چند کلمه که خواسته باشد تأدیه نماید و اداره مکلف است بترتیبات مقرر بطرف مقابل اطلاع بدهد که قیمت فلان قدر کلمه جواب داده شد اگر پس از موعد مقرر قانونی طرف جواب نداد قیمت جواب بصاحب سؤال مسترد می شود .

ثانیاً تعرفه مخابرات داخله است که تا اکنون بسیار بی ترتیب بوده و قیمت را برای هر ده کلمه حساب می کند بترتیب ذیل :

قیمت هر ده کلمه از طهران بولایات ۲ قران و ۷۰۰ دینار قیمت تلگراف ۲ قران قیمت قبض ۲۰ و ۷۰۰ دینار قیمت هر ده کلمه از ولایات بپهران یا بولایات دیگر در صورتی که از مرکز عبور نکنند ۳ قران تلگراف ۲ قران قبض یک قران . با آنکه تأمل معلوم می شود که این ترتیب تعرفه دور از عدالت و مانع از مرتب بودن محاسبات و کنترل صحیح خواهد بود لهذا بنده پیشنهاد می کنم که تعرفه مخابرات از این تاریخ ببعد بطریق ذیل معمول گردد :

اولاً قیمت ده کلمه اول یا کسر ده کلمه ۲ ریال بعلاوه قیمت قبض ده شاهی و بعد از ده کلمه اول قیمت هر کلمه ۰ شاهی محسوب شود .

ثانیاً قیمت مخابرات بین هر دو نقطه یکسان است باین معنی قیمت کلمه بین سیستان و بوشهر پنج شاهی و همچنین قیمت یک کلمه ای بین طهران و رباط ه شاهی . این ترتیب علاوه بر این که برای عامه سهل و آسان است برای تقشیر استانیستیک مخابرات فواید کثیره را حاوی خواهد بود .

ثالثاً نظر باین که بان ترتیبات فعلیه ممکن است همه قسم بی ترتیبیها و تقلبات بشود وزارت تلگراف برای جلوگیری از آنها و اطمینان از جمع آوری عایدات دولت صلاح می داند که بعد ها در مورد مخابرات تلگرافی هم تمیر استعمال شود باین معنی که صاحبان تلگراف معادل قیمت تلگراف خود از تحویلدار اداره تمیر گرفته و در حضور خود روی قبض که در مقابل وجه از اداره می گیرد چسباندند و باطل نمایند این تأسیس با مختصر وقت واضح می نماید که در محاسبات دولت و جمع آوری عایدات و جلوگیری از تقلبات تسهیلات عمده حاصل خواهد کرد مخارج تمیر تخمیناً هزاری سی شاهی میشود ولی چون استانیستیک صحیحی در دست نیست تحقیقاً نمی شود معین کرد در سال چند مخارج تمیر خواهد شد کلیتاً بنظر وزارت تلگراف از هزار تومان تجاوز نخواهد کرد .

موادی که باید مجلس مقدس شورای ملی رای بدهد :

ماده اول - قانون جواب که قیمت جواب هر تلگرافی مجبوراً بدهنده فرستنده مطلب قبل از وقت بمده کلمات معین با اداره تأدیه کرده باشد بدهنده کسی است که مطالب را تسلیم اداره می نماید .

ماده دوم - تعرفه قیمت مخابرات فارسی بین هر دو نقطه مملکت به استثنای بندر عباس ارفقار ذیل است :

(۱) قیمت ده کلمه از اول یا کسر ده کلمه دو قران و پنجاه دینار و بعد از آن هر کلمه دو یست و پنجاه دینار .

(۲) در مورد هر تلگراف اداره ۰۰ دینار بعنوان قیمت قبض دریافت مینماید .

ماده سوم - اداره تلگراف برای تعیین قیمت مخابرات تلگرافی تمیر تأسیس و استعمال خواهد نمود .

ماده چهارم - نظامنامه راجع بتمیر تلگراف را وزارت تلگراف مرتب و اعلان خواهد کرد .

رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف تقاضا کرده بودند که قرائت شود خوانده شد والا مسلم است که این لایحه باید رجوع شود بکمیسیون و بعد از این که از کمیسیون راپورت داده شد در اینخصوص مذاکره خواهد شد .

وزیر مالیه - عرض میشود که باین وضع امروزه مملکت معین است که عدل وزارت یک کار خیلی مطالبی بحساب نمی آید و یک هیئتی که امروزه بخواهند یک خدمتی کردند باشند باید قهرآ یعنی حکماً طرف توجه تمام و کلای ملت باشند که هیچ باید بطرف توجه عموم ملت باشند یعنی همه معاشرت داشته باشند تا اینکه کاری پیشرفت نماید و امروزه همچو بنظر می آید که بعضی ها رضایتی از این هیئت وزراتی حالیه ندارند و باین عدم رضایت هم معلوم است که آنها هم موفق نمی شوند که یک خدمتی را انجام بدهند حالا اگر چه مدت خدمت این هیئت وزراتی هم یک نهایت طبیعی دارد یعنی قانوناً بعد از این که آقای نایب السلطنه وارد شدند آقای رئیس الوزراء باید استعفای خودشان را پیشنهاد بکنند و ضمناً سایر وزراء هم معلوم است که مستعفی هستند و دیگر اختیار با آقای نایب السلطنه است که هر ترتیب جدیدی را که بخواهند بدهند ولی ممکن است که واقعاً اگر این هیئت بهیچوجه طرف توجه نمی باشند قبل از ورود آقای نایب السلطنه هم اینکار ختم و فیصل شود یعنی اگر لازم باشد و کلای ملت مقتضی بدانند یک رای در باب این هیئت وزراء بگیرند و بر فرض که طرف توجه نباشند ممکن است با تلگراف باشان اطلاع داد و ایشان از آنجا یک هیئتی رامعین بکنند و یک هیئت کابینه جدیدی تشکیل شود این است که هیئت وزراتی حالیه الان حاضرند و بنده مرا فرستاده اند اینجا که این اظهارات را در مجلس بکنم تا اینکه باین کار یک خانم صحیحی داده شود .

ارباب کیخسرو - بنده در اینخصوص اشطار قانون اساسی دارم - آقای وزیر مالیه فرمودند که تلگراف بکنیم به آقای نایب السلطنه و ایشان از آنجا جواب بدهند و یک هیئتی را معین بکنند .

اصل ۴۰ قانون اساسی - هیئت وزراء - هیئت وزیران
 بنیاد سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدی این امر باشد مگر اینکه قسم زبوره فوق را یاد نودوده باشد. بموجب این اصل شخص نایب السلطنه وقتی میتواند امور مملکتی را متصدی شود که بیاورد اینجا و چنانکه تکلیف خود سلطان است این قسم را بخورد باز رجوع میکنم باصل دیگر از قانون اساسی.

اصل ۶۷ - در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا به اکثریت تامه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزیران اظهار نمایند آن هیئت یا آن وزیران مقام وزارت منحل می شود من نمیدانم این چه تکلیفی است که هیئت وزراء آمده اند از مجلس میخواهند در صورتیکه در هیچ وقت دست مجلس بسته نیست و در صورتی که از طرف مجلس چنین عنوانی نسبت به هیئت وزراء نشده است نمیدانم این چه اظهاری است که از طرف هیئت وزراء میشود.

وزیر مالیه - بنده نکته اش را که عرض کردم که با این وضع حالیه مملکت از برای این هیئت وزراء کمال اشغال را دارد که بتواند با وجود همراهی کاری را از پیش ببرد حالا اگر عدم مساعدت هم باشد که به هیچ وجه کاری پیش نخواهد رفت و این هیئت وزراء که تعصیری ندارند میخواهم بدانم در صورتی که عده ای از مردم یا و کلا از آنها راضی باشند میتوانند کار بکنند معلوم است که در این صورت بهیچ قسم از آنها کاری پیشرفت نخواهد کرد و بیخود کار مملکت را معوق گذاشته اند و واقعا میتوان گفت که با این ترتیب اگر این اظهار را بکنند ناخدمتی کرده اند.

محمد هاشم میرزا - بنده تمجب میکنم از بعضی آقایان وزراء که خودشان مدتها و کلب بوده اند و این قسم اظهارات را میکنند بخصوص آقای وزیر مالیه که مدتها خودشان رئیس مجلس بوده اند از اینکه بکنند و کلاه عقیده ای در باب هیئت وزراء داشته باشد اظهار نماید یا اعتراض نماید یا استیضاحی بخواند هیچکدام از آنها نه باعث تزلزل کابینه وزراء میشود نه علت استعفا می باشد آنها میشود وجه من الوجوه هیچ کسی از طرف دیگری نمیتواند مذاکره نماید رأی شخصی بنده وقتی معلوم خواهد شد که ورثه سفید و آبی بنده در روزنامه چاپ شود (در این موقع بعضی ها اظهار مغایرت کردند) و هیچ منطقی نیست که بکنند و کلب که نطق میکنند اعتراض باو میشود البته اگر آقایان اجازه نطق خواسته باشند در نوبت خودشان بیایند عرایض بنده را یا رد بکنند یا قبول - بعقیده بنده فرق نمیکند چه یک روزنامه نویس یک چیزی بنویسد و چه یک نفر وکیل مذاکره بکند و چه یک شاعری همگی بکنند هیچکدام از آنها بهیچ وجه من الوجوه اثری بر آن مترتب نیست و اسباب تزلزل کابینه نمی شود و هیچیک از وزراء حق ندارند که بکنند یا یک وکیل خودشان را متزلزل بکنند مگر وقتی که آن وکیل که این فرمایش را

می فرماید بیاورد اینجا و استیضاح رسمی بفرماید و ادله ای که برخلاف آن وزیر دارد اظهار نماید و وزیر که این استیضاح راجع باواست جوابی را که در مقابل دارد بیاورد اظهار نماید آنوقت اگر جواب های او صحیح بود که و کلا همانطور با اعتماد خودشان باقی هستند و ورثه سفید خواهند داد و اگر جواب های او صحیح نبود که ورثه آبی خواهند داد هیچ کسی با هیچ کابینه ای عداوت و دشمنی ندارد ولی تا اینکه در مقام جواب وسوئال و استیضاح نمایند ابتدا نباید متزلزل باشند مثل اینکه کابینه اولی که داشتیم بواسطه اینکه یک روزنامه نویس یک چیزی نوشت فوراً اسباب بحران کابینه شد و یک وقتی که یک کله گذاری در خارج میشد دلتنگ میشدند و استعفا می دادند و اسباب تزلزل آنها میشد و همینطور در این مدت کابینه های ما چندین مرتبه استعفا کردند و کلام از آنها چندین مرتبه متزلزل شده اند و چندین مرتبه تغییر پیدا کرده اند بنده عرض می کنم اگر اینطور باشد کار مملکت پیشرفت نخواهد کرد و امیدواری که داشتیم بدل بیاس و ناامیدی خواهد شد و ما وقتی که یک همچو استیضاحی نشده است مخصوص نبودن نایب السلطنه که نیامده اند و هنوز قسم نخورده اند و نمی توانند متصدی امور مملکت به یکی از آنها تعیین رئیس الوزراء است بشوند تزلزل کابینه وزراء را عقیده ندارم و مقتضای وطن پرستی میدانم که آنها مشغول کار خود باشند و اگر یک نفر و کلبی در باره تزلزل و بحران کابینه اظهار عقیده کرده باشد بنده هم که یک نفر نماینده هستم میگویم که تزلزل کابینه را امروزه سم فانی میدانم برای این مملکت و ابداً صلاح نیست.

آقا شیخ علی - اولاً تغییر کابینه هر روز از برای این مملکت خیلی ضرر دارد چنانکه اطلاع داریم که برای دشتستان و غیره هر وقت یک حکمی از یک وزیر می رود می گویند تا حکمش باید خبر عملشان هم خواهد آمد و ما هرگز نشنیده بودیم که هر دو ماه یک ماه سه ماه یا کابینه تبدیل شود و در این صورت چگونه کار پیش می رود و ثانیاً در نبودن نایب السلطنه ابداً صلاح نیست و بر فرض اینکه اکثریت مجلس اعتماد نداشته باشد تا نایب السلطنه تشریف نیاورده اند اصلا این عنوان صلاح نیست.

حاج شیخ رئیس - بنده تا یک درجه حق میدهم به آن نماینده محترمی که با کمال حدت و شدت اوضاع نا گووار مملکت را با کمال راحتی و درستی بیان کردند می خواهم عرض کنم که این نقطه نظر ایشان را خیلی صحیح و درست و منطقی می دانم و این نکته را هم می خواهم عرض کنم که در تشخیص مرض هیچ قصوری ندارم ولی بعقیده بنده که از طبابت بی ربط نیست در ترتیب علاج و در کیفیت حفظ مزاج آن اختلاف داریم و بعقیده بنده برای آقایان شهبه حاصل شده است و همچو گمان می فرمایند که اگر این کابینه تغییر کرد فوراً بقول عارف رومی - شهر ما فردا پراز شکر شود - یک کابینه فعال هنر پروری که در یک روز بلکه در یک ساعت بلکه در یک دقیقه حال مملکت را تغییر داده و

ارباب کیخسرو - به اسم بگوشید اینطور اظهار کردن ثمری ندارد. معاضد السلطنه - من نمی توانم اسم ببرم برای آنکه مطالب جلسات خصوصی شما در روزنامه ها نوبه ورمیا و روزنامه ها از من طرح و نشر می شود اسامی را وقتی می گوینم که بتوانیم از آن نتیجه بگیریم یواشگی که در این شهر و مجامع مصرف می شود تمام را بنده میدانم و تمام آنها منین است و این اظهارات را در حضور وزراء و کلاه آفتاب منتهای همه اقدامی در این مدت نکرده اند - در مسئله مسجد جامع گفتم پول از کجا رسیده است کی دریافت کرده است چقدر بوده است کی داده شده در کدام خانه مابین گیتها قسمت شده است و آن اشخاص مخارج شام و نهار مجتمعی در مسجد جامع را میدادند اول عنوان ایشان این بود که ما واجب ما نصف شده است و ما تمام را میخواهیم بعد گفتند از خدمت خارج شده ایم خدمت و کار می - خواهیم در ظاهر عنوانشان این بود ولی در معنی چیز های دیگر میخواهید و مقاصد دیگر داشتند دیدند که پیش نمیرود مقاصدشان کردند و خارج شدند ولی بعد بعضی از آنها بکنند و بعضی پلیسهای مخفی در این جهت که اینها از طرف کی بوده اند و کی مخارج آنها را میداد اینها معلوم نشد می بینم باز در موقعی که یک وزیر یاد وزیر بخوانند استعفا بدهند دومی جمع میشوند آنجا و صداها بلند می شود و باین تقیباتی که ما می بینیم در همه جا و ولایات دارند کار میکنند و بنده اطلاع صحیح دارم که خیلی کار میکنند و کرده اند و هر روز انتشار میدهند که فلان کس آمد محمد علی میرزا آمد در صورتی که او در ویته بود از آنجا رفت به ایتالیا و آن دربار را است و اینجا این انتشارات را که می دهند یک نفر پلیس یک نفر از آن اشخاص که این اخبار را انتشار میدهند میگیرد که معلوم شود کی این انتشارات را میدهند این راجع به ارتجاع بود که بعضی اشخاص چه به تجریک اشخاص اینجا و چه به قسم از دسته های دیگری کار میکنند و بنده گمان میکنم اگر ارتجاع عود کرد و خواستند این اساس را بهم زنند آنها نتوانند در این مملکت زندگی بکنند در صورتیکه بنده عرض میکنم که ارتجاع ممکن نیست به این مملکت معاودت کند مگر اینکه این مملکت بکلی مضمحل شود و بکلی اساس قومیت شما از بین برود این را باید آنها خواطر جمع باشند و بدانند که ارتجاع و استبداد محال است که به این مملکت برگردد و بدانند که آنها بواسطه ولاواسطه برای دیگران کار میکنند یعنی مزدور دیگران هستند که پول از آنها می گیرند و برای آنها کار میکنند - و از طرف دیگر می بینیم که در اغلب جاها مثل استر آباد که اول هم عرض کردم که چندین سال بود که قشون زیادی به آنجا فرستادند و دولت مبلغ زیادی خرج آنها می کرد و اشخاص بزرگ مثل سپه دار اعظم و علاء الدوله برای انتظام آنجا میرفتند در این دو مشرد طبیت ترکمانها از نهایت تمکین و اعتمادی که نسبت به این دولت جدید داشتند هیچ اقدام مخالفی نکردند و در هر اتفاقی که برای ایشان افتاد ملتجی بدولت می شدند و دولت چا کار خودشان را میخواهستند

و از طرف دولت هیچ اقدامی نشد تا اینکه قونسل استر آباد با یک عده قزاق رفته است گامیش تپه و شهر را و سبقت تومانی از اهالی پول گرفته است برای قتل یک نفر قزاق که قاتل آنهام خود رعیت روسی است و آن در چنگوش لر در حبس روسها است بعد دیدند به این ترتیبات نمیشود آنجا را بهم بزند و همه جا را ممکن است دست اندازی بکنند جز در استر آباد که بستان محمد علی میرزا کار میکردند که یکی آدینه محمد بار بود و یکرم بکنند دیگر که اینها بعضی ساعت های طلا و بعضی باروت و فشنگها می آوردند و به تراکمه میدادند و در این صورت در این مدت این مطالب بوزارتخانه ها اطلاع داده شد هیچ جلوگیری نکردند و هیچ اقدامی تا بحال نشده است در صورتی که می توانستند آنجا مأمور های مخفی بفرستند و تحقیق کنند که این ساعت های طلا و تحفه های دیگر از طرف کی بآنها داده می شود ولی ترکمانها چون مسبوق بودند از ترتیب هیچ زیر بار آنها نرفتند و هیچ اعتنائی بخیالات آن اشخاص و محمد علی میرزا نکردند و جواب های صریح دادند بعد از آنکه مفسدین مایوس شدند از اینکه آنها را بحرکت در آورند و باقی دولت بکنند آمدند و تجریک کردند و چند نفر آنها که نفرشان در جنگ مشغول همزم شنیدند بودند کشتند و چند نفر دیگر را هم زخمی کردند و آنها باز بدولت التماس کردند که حکومت بفرستد و دولت باز هیچ اقدامی نکرد در صورتی که آنها بدولت تلگراف کردند و التماس کردند که قاتلین ما را بگیرند یک تبیبهی از آنها بکنید که ما بتوانیم با سانی زند گانی بکنیم ما از تلافی عاجز نیستیم ولی میخواهیم متهم در دولت نباشیم و باز از طرف دولت هیچ اقدامی نشد و امروز یک تلگرافی رسیده که باز پنج شش ترکمان که به جنگ رفته بودند چند نفر دیگر از آنها را کشتند بعد دیدند با این چند نفر دیگر آنها را که کشتند نتیجه نگرقتند باز یک چند نفر دیگر را کشته اند که نتیجه بگیرند و یک عده قشون خارجی را به آنجا دعوت بکنند باز هیچ اقدامی نشد در خصوص خراسان هم عرض کردم که هشت ماه بود حاکم نداشت و تا زمانی که رفته است در صورتی که اگر در این مدت هفت هشت ماه حاکم میرفت بنده یقین دارم آن اتفاق که افتاد واقع نمیشد و این قشونی را که بآنجا وارد کردند وارد نمی کردند همینطور راجع بخراسان که آن اتفاقات پیش آمده که نمیدانم و کلا می دانند یا نمی دانند سابقاً هر ترتیبی که پیش می آمد و هر اتفاقی که می افتاد و کلا تماشا من مسبوق می شدند ولی حالا اختیارات طوری است که و کلاه ابداً از ترتیب کارها مسبوق نیستند و از اخبارات اطلاعات ندارند همینطور راجع به بعضی ولایات دیگر ولی آنچه راجع به نطق آقای ارباب بود که اصل قانون اساسی را خوانند که نایب السلطنه نمی تواند وارددر هیچ کاری بشود مگر اینکه بیایند در مجلس و قسم بخورند اگر این ترتیب صحیح است و ایشان صحیح میدانند بنده هم بکلی وزارت این هیئت وزراء را لغو می دانم برای اینکه بموجب یک اصل دیگر از

همان قانون اساسی که ایشان يك اصل را خوانند وزراء بموجب فرمایش پادشاه منصرف میشوند نظر باین اصل وزارت این هیئت لغو است و اینها هیچ حق مداخله در کارها ندارند دیگر اینکه اگر چه بنده می دانم که در اقلیت واقع هستم ولی در این موقع باریک چون می بینم چه اوضاعی پیش می آید میخواهم ادا وظیفه خودم را کرده باشم که فردا مسئول باشم و نگویند که به ارتجاع همراهی کرد بابه اشخاصی که ارتجاع پرست بودند موافقت و همراهی کرد و فقط خواستم که این اظهارات را کرده باشم اگر چه میدانم در اقلیت هستم ولی برای من هیچ فرقی نمی کند مقصود این بود که دیگران بدانند و تکلیفی برای خود معین بکنند و اگر هم تکلیفی معین نکردند بنده وظیفه خود را ادا کرده ام و شخصاً تکلیف خود را بهتر میدانم.

ارباب کیخسرو - اینکه راجع به اظهار بنده فرمودند جواب بنده نبود بلکه جواب قانون اساسی بود برای اینکه قانون اساسی را بنده وضع نکردم اما قانون اساسی در دوره سابق وضع شده است علاوه بر این آنچه را که بنده عرض کردم صحیح است و يك اصل از قانون اساسی است و آنچه را هم که ایشان فرمودند صحیح است و اصل دیگر از قانون اساسی بود و هیچ منافاتی با این بنده نداشت.

وزیر پرست - معلوم شد که اظهارات جناب آقای صنیع الدوله که در اینجا کردند اظهارات صحیحی بود که يك چند نفری هستند که با این هیئت کابینه همراه نیستند ولی لازم میدانم که چند کلام بر سبیل تاریخ برای آقایان عرض کنم چون همین طور که آقای معاضد السلطنه وظیفه ملیت و وکالت خودشان دانستند که آن مطالب را ذکر کنند بنده هم بسبب وکالت یا وزارت لازم می دانم وظیفه خود را در ضمن این تاریخ گفتن ادا کرده باشم و آن تاریخ این است که بعد از آنی که کابینه حضرت سپه دار کنار رفتند يك کابینه برپاست آقای مستوفی - الممالک تشکیل شد معروف شد به کابینه فعال و آن کابینه در کمال حدیث مشغول کار شدند و نظر آقایان هست اذهان نمایندگان طوری مشوب شده بود که آقای رئیس الوزراء آمدند در مجلس اظهار کردند که من حس می کنم ترتیباتی پیش آمده است حالا آن ترتیبات چه بود و در سابق گفته شد و لازم به تکرار نیست گفتند یک همچو حس می کنیم که این کابینه پیشرفت نمی کند و از مجلس تقاضا میکنم که این هیئت کنار رود و يك هیئت دیگری تشکیل شود مجلس بعد از مذاکرات زیاد اعتماد تام خودش را نسبت بر رئیس الوزراء دادند و گفتند که شما يك اشخاصی را باید بنظر خودتان انتخاب کنید و خاطر من می آید که آمدم و نتوانستم و موقع را تشریح کردیم بعضی از آقایان اظهار کردند که باید يك اشخاصی را معین کرد و اختیارات به آنها داد که واقعاً با کمال حدیث و جلالت دست بگیرند این بود که بعد از مذاکرات زیاد به اکثریت زیاد یک قریب به اتفاق بود نسبت به اظهار رئیس الوزراء مجلس اظهار اعتماد نمود ایشان هم اول نهایت جد و جهد را کردند به آقایانی که در مجلس تشریف دارند که بیایند خودشان را قبول

کنند این بود که هیچ کدام قبول نکرده اند برای اینکه موقع را خیلی باریک می دانستند و همین آقایانیکه حالا این مذاکره را می کنند همین آقایان در آن وقت تأکید و اصرار داشتند که زودتر مشغول کار بشوند یک اشخاصی را معین کنند که بیایند درس کاری که این انقلابات مرتفع شود بعد که یک اشخاصی را معین کردند و آوردند به مجلس معرفی نمودند بدبختانه یک یا چند نفری چون موافق نبودند در روز گذشته بلکه فردای آن روز مخالفت کردند و از همان جا کشیده شد تا اینجا رسید و حال همین طوری که آقای وزیر - مالیه می گویند ممکن است جداً بگویند که مایل نیستند این کابینه سر کار باشد یا اینکه یک هیئت دیگری تشکیل شود - آقای معاضد السلطنه تشریف می آورند اینجا و تقصیرهای زیاد از برای این کابینه می شمارند که همچو کرده اند بنده هم چه کرده اند بنده هم می توانم از این ساعت دو مقابل این تقصیرها معین کنم چرا کابینه ای که هنوز تشکیل نشده است و ثابت کنم چرا بواسطه اینکه اگر در کرمان خدای نکرده یک اتفاق سوئی بیفتد و نتوانند در مدت ده یا نوزده روز به آنجا قشون بفرستند که از آن اتفاق جلوگیری شود آن کابینه مسئول است چرا برای اینکه در کرمان قبل از اتفاق این واقعه چرا قشون حاضر نداشته اند یا اینکه چرا بتوسط قوه برقیه قشون نفرستاده اند که جلوگیری نمایند در این مملکت با این وصف و با این عدم استعداد تصور نکنید که یک هیئت وزرائی می توانند کار بکنند و از آنها آنچه مطلوب این مملکت است بشود خواست و هر کس این عرض بنده را تصدیق نکند می گویم انصاف نداده است یک نفر وزیر میتواند از صبح درس کار خودش حاضر شود و تا هشت ساعت از شب رفته مسلسل کار بکنند و اگر در یک مرتبه نتواند پنجاه هزار قشون حاضر بکند و نتواند بفرستد بفلانجا برای اینکه پول نیست من آن وزیر را خائن نمی شمردم آن اشخاصی که میگویند و کلاً بوظیفه خودشان رفتار نمی کنند بنده ابداً نمی توانم آنها را تصدیق کنم برای اینکه آنها وقتی که آمدند و بمقام و کالت نشستند می بینند که محظورات و کیل بیچاره چیست و همینطور امیدوارم بگر و زنی جناب آقای معاضد السلطنه تشریف بیاورند و بمقام وزارت بنشینند و بنده بعد از ده روز به ایشان عرض کنم که دیدید ما هیچ قصوری نکرده بودیم و از شما گذشته هر روزی ولو اینکه معصوم هم باشد نمی تواند آنطوری که جناب عالی میخواهید کار بکنند این حرف را بنده میگویم و هر کسی که منصف است تصدیق خواهد کرد والا بحرف اگر باشد روزنامه را بردارید بخوانید و ببینید که بحرف چطور مملکت را بهشت میکنند ایشان حالا تقصیرات برای وزراء می شمارند مثلاً می فرمایند در تهران مجامع دارند می نشینند میگویند و حرف میزنند و نمی دانم چطور اقدامات کرده اند و جلوگیری نشده است این یک مسئله ای است که وزیر داخله باید اینجا باشد و جواب بگوید شاید او هم جواب بدهد که یک رئیس نظمیّه تا بحال یک همچو راپورتی بمن نداده است و اگر هم داده است شاید در آن مورد اقدامات کرده ام و بنده حقم نیست که بگویم مسئله استر آباد که می فرماید در سابق هم از این اتفاقات بسیار بوده است جنگ بوده است جدال بوده است آدم کشی بوده و حالا ایشان یک

وقعه را اینطور اهمیت میدهند که مثلاً فرض بفرمایند دو نفر هیزم شکن یا هیزم کشی کشته شده است آیا در ایران شما این اندازه نظم برقرار شده و اوضاع خوب شده است که از کشته شدن دو نفر هیزم کش در جنگل استر آباد هفت یا هشت نفر وزیر شما تقصیر کرده اند علاوه بر اینکه اینگونه اتفاقات در تمام نقاط عالم می افتد در یاریس که مرکز تمدن است اگر ملاحظه فرمائید می بینید که هنوز این قسم وقایع بسیار اتفاق می افتد باید جلوگیری کرد و رفع نمود می فرمایند حکومت دیر رفت بنده هم تصدیق میکنم ولی چرا نظرم آن به این نیست که آنوقت که آن اتفاق در مازندران افتاد که خدا لعنت کند معرک آنرا که نمیدانم کی بوده است و انشاء الله بکروزی معلوم خواهد شد که اینکار بواسطه چه بود و کی این تجربکات را کرده است که در آن موقع امیر اعظم را صلاح دانستند برود و استعداد برای او مرتب کردند و آن ترتیبات پیش آمد و آن اتفاق سوء رخ داد و در بین کابینه هم منفصل شد و این کابینه تشکیل شد گفتند اول باید امر مازندران را اصلاح کرد و وسیله اصلاح اینست که یک شخص ملایمی فرستاده شود و آن آقای ظهیرالدوله است و از برای استر آباد هم معین کردند که امان الله میرزا برود بعد همینطوری که شاید یک اتفاقی در آنجا افتاده است و اسنادی آوردند بنظر شما آقایان رسانیدند و گفتند اینکار اهمیت دارد خوبست یک شخص دیگری بفرستیم که بتواند جلوگیری بکند این بود که رأی دادند که شهزاده ظفر السلطنه معین شود و حرکت بکند و حرکت کرده است و در راه است و همین روزها وارد می شود و عمل استر آباد و کشتن دو نفر هیزم کش اصلاح خواهد شد همه ماها چه و کیل باشیم چه وزیر فرق نمی کند در مقام برقراری انتظام و حفظ مملکت هستیم تصور نکنید که من وزیرم عمداً شرکتی یا همراهی بایک وقعه که در استر آباد افتاده است یا با رحیم خان که با آذربایجان آمده است یا با روزنامه نویسی که می گوید محمد علی میرزا می آید و در کوه میگویند داشتیم باشیم و یا از قبل بنده تقصیری شده باشد مطالب باید گفته شود ولی با یک زبان و بیان ساده مثل اینکه در مجلس خصوصی گفته شد بعضی در آن انجمن خصوصی که برای اتحاد و اتفاق ماها را دعوت کرده اند و همه بامنتهای شرف رفتیم و حاضر شدیم و دیدیم که یک نفر نماینده محترم رفت آنجا و هر چه دلش خواست گفت و بر عکس از بیاناتش بیشتر تولید نفاق شد .

(اظهار شد که عقیده خود را گفت)

حالا بنده عرض می کنم موقع مملکت امروزه یک موقعی است که مثل همان کاری که تمام عالم کردند اتحاد بکنند لفظ پارتی کلمه اختلاف مسلک را دور بیندازند اگر چه مکرر این حرفها را زدند و این درد ها را بگوش ما خواندند و ابداً نتیجه و فایده نبخشید و امروزه که برای حفظ استقلال مملکت اشخاصی را که می گفتید ارتجاعی کسانی را که میگفتند ظالم یا مستبد حاضر شدند برای شما خدمت بکنند عوض اینکه اتحاد کنیم و همراهی به آنها بکنیم در یک مجلس می بینیم یک مذاکراتی می شود که ابداً نتیجه ندارد حالا اگر اصل مطلب را هم باید گفت و شاید این اظهاری را که کردند عقده وجدانی و مملکتی شان این بوده است و

نمیگویم که با اشخاصی که شما میگوئید طرف هستند عقیده شان اینست که یک اشخاصی باید در وزارت باشند که بهتر از این کار بکنند این بسیار خوب عقیده ایست ولی همه می دانند امروز در مملکت شما پادشاهی نیست می دانید امروز در مملکت شما نایب السلطنه نیست می دانید که هیچ کس نمی تواند در مملکت اقدامی بکند مگر اینکه از شما ها بیش از نصف با او همراه باشند و آن دقیقه که بیش از نصف اعضاء مجلس که اکثریت است با آن شخص همراه نباشند یعنی نایب السلطنه مملکت با او همراه نیست یعنی پادشاه مملکت با او همراه نیست و هیچ کاری نمی تواند بکند و امروز همین طوری که عرض کردم نایب السلطنه شما هنوز نیامده است اگر باید فوراً این کابینه منفصل بشود و رأی اکثریت مجلس است که این هیئت کنار بروند که یک مسئله ای است و ممکن است رأی بدهید این کابینه منفصل شود و هیئت دیگری تشکیل شود ولی متزلزل کردن یک همچو هیئتی ابد اصلاح نیست بلکه شما خوب بود این اظهارات را در مجلس خصوصی می کردید که آقایان ما نمی خواهیم در جلسه علنی اظهاری بکنیم و این هیئت را متزلزل بنمائیم شما فلان تقصیر یا فلان قصور و مسامحه را کرده اید و باید فلانطور اقدام بکنید برای اینکه امروز اگر کسی خیر این مملکت را می خواهد نمی آید اینجا داد بزند که این کابینه کار نمی کند و بهتر این است که منفصل بشوند که اسباب تزلزل کابینه بشود و آن وقت اول کسی که از میان برود رئیس الوزرائی باشد که والله شب و روز از بسکه کار کرده ناخوش شده اند برای اینکه مسلسل کار کرده است و زحمت کشیده است و اسباب این بشود که کارها بیشتر بتوق بیافتد و اشکالات زیاد تر بشود .

صنیع الدوله - بنده فقط دو کلمه میگویم

عرض کنم اولاً دفاع نمی خواهم بکنم از وزیر و وزارت هر دو بیزارم همین قدر میگویم عرض کنم که آقای معاضد السلطنه فرمودند که این هیئت وزراء قانونی نیستند در این صورت چرا آن روزی که آنها را آوردند معرفی کردند این حرف را نزدند که بیخود یک هیئتی بطور غیر قانونی متصدی کار نشوند در صورتی که گویا قانونی بوده اند چرا بجهت اینکه اکثر از نمایندگان هم گویا بدانند که رئیس الوزراء از سابق برقرار و منصوب بود و هر هیئت وزرائی که استعفا دادند یا عزل شدند مادامی که خود رئیس الوزراء استعفا نداده است می تواند بجای آن وزرا اشخاص دیگری را انتخاب نماید و این هیئت وزراء را هم یک رئیس الوزرای منصوبی انتخاب کرده است حالا اگر فرمان صادر نشده است آن یک محظور طبیعی داشته است یعنی نایب السلطنه حاضر نبوده است تا اینکه فرمان صادر شود .

[بعد از این اظهار از مجلس بیرون رفتند]
حاج آقا - این نظامنامه را که می خواهم بخوانم نظامنامه ای است که دو سه ماه وقت صرف آن شده است و نظم حوزه و محوطه مجلس را بهمه رئیس مجلس واگذار کرده اند ماده ۱۰۲ نظامنامه

داخلی می نویسد افتتاح جلسات و حفظ ترتیب مذاکرات و اجرای نظامنامه و حفظ نظم بمعهده رئیس است بعد در ماده ۱۰۸ مینویسد :

درمباحثات ناطقین باید متناوباً به ترتیب مخالف و موافق نطق نمایند . بعد در ماده ۱۱۰ می نویسد : ناطق باید از موضوع مباحثه خارج نشود چنانچه خارج شود رئیس او را متذکر می سازد و اگر ناطق مزبور بخواهد توضیحاتی بدهد که او از موضوع خارج نشده است یا اینکه خارج از موضوع شدن دلائل دارد در این باب اجازه داده نخواهد شد . بنده امروز می بینم که ترتیب نظم این مجلس از اولی که شروع کردیم در مذاکره هیچ ترتیب صحیحی نبوده است و واقعاً از تماشاچی ها خجالت می کشیم بواسطه اینکه از اولی که شروع کردیم در مذاکره هیچ ترتیب صحیحی نبوده است اولاً شروع نکردن بمذاکره در دستور مجلس بعد برخاستن يك نفری و در خارج از دستور صحبت کردن و ملاحظه رئیس از اشخاص و کلاً اگر چه فلان و کیل محترم است و در نهایت احترام هم هست ولی احترام و کیل بسته به احترام حفظان نظم و احترام قانون است .

رئیس - صحیح می فرمائید بنده می دانم خلاف ترتیب واقع شده ولی بنده تمام روزها بنا نمایندگان مجادله و مرافعه می کنم در ترتیب نظم و ابداً فایده نمی کند مثل اینکه در بعضی از مواد خود حضرتعالی تکلیفاتی به بنده کرده اید که برخلاف ترتیب بوده است .

معارض السلطنه - چون سوء تفاهمی شده است در عرایض بنده اگر اجازه می فرمائید توضیح بدهیم .

رئیس - بفرمائید .
معارض السلطنه - بنده بی ترتیب و برخلاف نظم اینجا صحبتی نکردم پریروز در اول مجلس اجازه خواستم و عرض کردم که مطالب من خارج از دستور است فرمودند در آخر مجلس بگوئید آخر مجلس بواسطه این که وزراء آمدند و مسئله استقرار پیش آمد موقع نشد که اظهارات خود مرا بذاریم بعد از مجلس رفته به ایشان اظهار کردم اجازه دادند که در اول مجلس امروز عرض بکنم این بود که بنده هم در اول مجلس اظهارات خود را بمرض نمایندگان رساندم و حقاً داخل مذاکره شدم و بنده این تذکرات را در اینجا بهتر از مذاکره در دستور امروز و وضع قانون میدانم برای اینکه ما باید اولاً اساس مملکت را درست بکنیم و حفظ بنمائیم بعد قانون برای مملکت وضع کنیم و اگر کسی خیرخواه مملکت نباشد این اظهارات را نمیکند .

اینجا شاهزاده اسدالله میرزا گفتند که عده ای هستند که نمی گذارند وزراء کار بکنند . (گفته شد که این سؤال است یا استیضاح)

آذینه محمدخان - استیضاح است وزیر بیاید استیضاح شود وزیر که نداریم تا این که استیضاح بکنیم .

معارض السلطنه - بنده هر وقت بخواهم سؤال یا استیضاح بکنم که وزراء حاضر نمیشوند

لابدم که در این موقع اظهارات خودم را بنمایم بملاوه استیضاح کردن چه ربطی به این مطلب دارد اگر يك وزیر در کار خود غفلت کرده باشد نباید گفت که این وزیر غفلت کرده است ؟

وزیر پست - امروز که نه موقع سؤال است و نه موقع استیضاح بدون مقدمه يك اظهاراتی کردید و بنده برخواستم جواب گفتم وزراء هم البته برای استیضاح حاضرند و هم برای سؤال اطلاع بدهید روزش رامعین میکنند و حاضر میشوند .

معارض السلطنه - اما آنچه که راجع به مازندران فرمودند بنده هم آن ترتیبی را که گفته اند اطلاع دارم و مسبوق هستم .

رئیس - این فرمایش شما توضیح نیست اگر سوء تفاهمی در بیانات شما شده است که بفرمائید والا اجازه بخواهید و نوبت که بشمارسید بیایید و مطالب خودتان را بفرمائید حالاً دیگر در این خصوص مذاکره نمیشود .

منتصر السلطان از معاون محترم وزارت امور - خارجه سؤال داشتید بفرمائید .

منتصر السلطان - از معاون محترم وزارت امور خارجه سؤال میکنم که چندیست در بادکوبه تجار محترم ایرانی و اتباع ایران شکایت میکنند از مأمور آنجا که راجع بمدارس و تذکره بعضی جرائم و پولها به اسم تذکره و غیره که مخالف قانون تذکره است مطالبه میکنند و البته حضرتعالی مسبوق هستید که در با کو و اطراف با کو متجاوز از شصت و پنجهزار اتباع ایرانی است و چندین نفر شاگردان محصل هستند که تحصیل میکنند و این مأموری که از طرف وزارت خارجه در آنجا هست اگر میشود که تغییری داده شود یا اصلاحاتی در آنجا بشود بفرمائید .

معاون وزارت خارجه - چندی است از ساعد الوزاره شکایتهای متوالی رسیده است و مواد شکایات را مشروحاً نوشته اند ولی از آنطرف پریروز خودش تلگرافی کرده بود و تقاضا کرده بود آنجا که رسیدگی بکنند که اگر واقعاً مقصر است او را معرفی بکنند و اگر تقصیر ندارد باز استدها کرده است که استعفای او را قبول بکنند چون شخص ساعد الوزاره خودش مایل بتوقف در بادکوبه نیست باوجود اینکه هنوز قصورش بر وزارت خارجه معلوم نشده است مأمور مخصوصی برای اینکار معین شده است و همین چند روزه میرود که رسیدگی نماید .

منتصر السلطان - کمال امتنان از اقدامات وزارت امور خارجه دارم .

رئیس - هفته آینده مجلس تعطیل است برای عزاداری ایام نهم و دهم و یازدهم - از سه ساعت بغروب مانده روضه خوانی است جلسه آتیه شنبه ۱۲ و دستور هم بقیه دستور سابق است مجلس یکساعت و نیم از شب گذشته ختم گردید .

جلسه ۱۹۸

صورت مشروح روز سه شنبه ۱۵ شهر

محرم الحرام ۱۳۲۹

مجلس دو ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای ذکاء الملک تشکیل شد

صورت مجلس روز پنجشنبه (۲) را آقای معارض الملک قرائت نمود .

غائبین جلسه قبل : آقای سید محمد رضا حاج وکیل الرعایا - آقا میرزا اسد الله خان بدون اجازه .

ممتازالدوله . حاج امام جمعه با اجازه غایب بودند .

آقا شیخ رضا . کاشف حاج محمد کریم خان حاج آقا . سپه دار اعظم . سردار اسعد . آقا میرزا ابراهیم در موقع مقرر حاضر نشده . دکتر علیخان مریض بودند .

رئیس - در باب صورت مجلس اگر ملاحظاتی است بفرمائید .

مشیر حضور - در باب صورت مجلس عرضی ندارم عرض خارج از دستور است اگر اجازه می فرمائید عرض کنم .

کاشف - بعد از صورت مجلس عرضی دارم که خارج از دستور است اجازه بفرمائید عرض کنم

حاج سید ابراهیم - بنده می خواهم عرض کنم که آن کمیته اتحاد و ترقی نیست اتحاد و ترقی ایران و فرانسه است و این صحبت خارج از دستور است هم که می خواهند بفرمایند خارج از دستور است (صورت مجلس امضاء شد) .

صدر العلماء - راپورت کمیسیون پروگرام راجع بمدلیه طبع و توزیع شده است و حالا دیده شد از اینجهت تقاضا می کنم جزء دستور شود بواسطه اینکه تشکیلات عدلیه هم بعد از خواندن اینصورت به مجلس بیاید حالا اگر جزء دستور نیست در دستور بگذارید که خواننده شود و زودتر در خصوص تشکیلات عدلیه قراری داده شود .

رئیس - راپورت کمیسیون پروگرام را که می فرمائید طبع و توزیع شده است می خواستم امروز جزء دستور بگذاریم ولی بملاحظه اینکه شاید هنوز بیست و چهار ساعت از توزیع آن نگذشته باشد گذاشتم برای جلسه آتیه حالا اگر اذهان آقایان حاضر است که امروز جزء دستور شود در دستور امروز میگذاریم .

صدر العلماء - خیر بنده هم برای جلسه آتیه عرض کردم که جزء دستور شود .

رئیس - بسیار خوب جلسه آتیه جزء دستور خواهد شد .

ارباب کیخسرو - خواستم خاطر آقایان را مسبوق کنم در باب نطقهایی که می فرمایند چنانچه خاطر آقایان مسبوق است چندی قبل بنام شد که روزنامه رسمی دائر شود و این مطلب بوزارت داخله اظهار شد ولی ضمناً چون رای خیلی از آقایان این بود که نطقهاشان در يك روزنامه درج شود موقتاً قرار گذاشته بودند که در جزء روزنامه استقلال ایران درج شود و قرار بهم در ضمن داده بودند و وزارت مالیه هم بموجب آن فراریك پولی میرساند باداره مباشرت و اداره مباشرت هم می داد ولی حالا چون اداره مباشرت می بیند که اینکار خارج از وظیفه او است این است که خاطر آقایان را مسبوق میکنم که از امروز دیگر نطقها باداره روزنامه استقلال ایران فرستاده نخواهد شد تا موقعیکه روزنامه رسمی دائر شود و از قراری هم که وزیر داخله فرمودند در صدد